ناگفته‌هایی از تاریخ ابوطالب علیه‌السلام: تحلیل گزارش تاریخی خرگوشی (م ۴۰۷)
سید نبیل الحسنی/ عبدالحسین طالعی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال دوازدهم، شماره ۴۷ «ویژه حضرت ابوطالب علیه‌السلام»، تابستان ۱۳۹۴، ص۶۲ـ۷۲

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

ناگفته‌هایی از تاریخ ابوطالب علیه‌السلام: تحلیل گزارش تاریخی خرگوشی (م ۴۰۷)

سید نبیل الحسنی
ترجمه و تلخیص: عبدالحسین طالعی *

چکیده: نگارنده متن تاریخی ابوسعید عبدالملک خرگوشی (متوفی ۴۰۷ قمری) در کتاب *شرف المصطفی* در مورد ابوطالب بن عبدالمطلب را تحلیل کرده و نتیجه می‌گیرد که بر اساس این گزارش، ابوطالب سومین فردی است که پس از حضرت علی و خدیجه علیهما‌السلام اسلام را پذیرفته است. مقدمه‌ای کوتاه در مورد دخالت حاکمان در تاریخ اسلام و شرح حال کوتاه مؤلف در آغاز گفتار آمده است.

کلیدواژه‌ها: خرگوشی، ابوسعید (متوفی۴۰۷ قمری)؛ *شرف المصطفی* (کتاب)؛ ابوطالب بن عبدالمطلب – سیره؛ حسنی، نبیل– آثار؛ تاریخ اسلام– دخالت‌های حاکمان.

*. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، دانشجوی دوره‌ی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران taleie20@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

آشنایی با نبیل الحسنی

نبیل الحسنی از پژوهشگران معاصر کربلا است که سالها با معاونت پژوهشی عتبه حسینی در کربلا همکاری داشته و حاصل این همکاری دهها کتاب است که بیشتر آنها را عتبه حسینی منتشر کرده است. برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. الجمال فی عاشوراء: دراسه جمالیه وصفیه لواقعه الطف، ۱۴۳۳.

۲. المولود فی بیت الله الحرام: علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام ام حکیم بن حزام ؟ ۱۴۳۳

۳. الاستراتیجیه الحربیه فی معرکه عاشوراء بین تفکیر الجند وتجنید الفکر ۱۴۳۵

۴. الانثروبولوجیا الاجتماعیه الثقافیه لمجتمع الکوفه عند الامام الحسین علیه‌السلام ۱۴۳۰

۵. الشیعه والسیره النبویه بین التدوین والاضطهاد: شیخ کتاب السیره محمد بن اسحاق انموذجا ۱۴۳۰

۶. تکسیر الاصنام بین تصریح النبی و تعتیم البخاری ۱۴۳۳.

۷. خدیجه بنت خویلد امه جمعت فی امراه ۱۴۳۲، ۴ ج.

۸. الیحموم فرس الامام الحسین علیه‌السلام فی عاشوراء ۱۴۲۹.

۹. باب فاطمه صلوات الله وسلامه علیها بین سلطه الشریعه و شریعه السطه.

۱۰. ثقافه العید والعیدیه ۱۴۳۵.

۱۱. حرکه التاریخ و سننه عند علی و فاطمه علیهما‌السلام: دراسه اسلامیه معاصره ۱۴۳۰.

۱۲. حقیقه الاثر الغیبی فی التربه الحسینیه ۱۴۳۳.

۱۳. دعاء الامام الحسین علیه‌السلام فی یوم عاشورا: بین النظریه العلمیه و الاثرالغیبی. دراسه اسلامیه معاصره ۱۴۳۱، ۲ ج.

۱۴. سبایا آل محمد، دراسه فی تاریخ سبی النساء و عله اخراج الامام الحسین عیاله الی کربلاء ۱۴۳۳.

۱۵. هذه فاطمه صلوات الله و سلامه علیها: و هی قلبی و روحی التی بین جنبی النبی المصطفی ﷺ ۱۴۳۴، ۸ ج

۱۶. وفاه رسول الله و موضع قبره و روضته بین اختلاف اصحابه و استملاک ازواجه، دراسه فی التاریخ و روایه الحدیث ... ۱۴۳۴

۱۷. ظاهره الاستقلاب فی النص النبوی والتاریخی: حدیث سد الابواب انموذجا ۱۴۳۵

۱۸. ما اخفاه الرواه من لیله المبیت علی فراش النبی ﷺ ۱۴۳۳

۱۹. موجز السیرة النبویه ۱۴۳۳

کتاب «*ابوطالب ثالث من أسلم*» یکی از آثار نبیل الحسنی است که بر اساس گزارش تاریخی ابوسعد خرگوشی مورخ اهل تسنن (متوفی۴۰۷) در بارهٔ ابوطالب نگاشته است. این کتاب را عتبه حسینیه به سال ۱۴۲۹ منتشر کرده است که در این گفتار، ترجمه و تلخیص آن را می‌خوانیم.

مقدمه

دخالت حاکمان اموی و عباسی در تغییر تاریخ، یکی از اقدامهای آنان برای توجیه اقدامهایشان بود. آنان وقتی کارنامهٔ آلودهٔ خود را قابل انطباق با سیرهٔ مقدس نبوی ندیدند، کوشیدند تا گزارش سیرهٔ حضرتش را دستکاری کنند.

بدین روی اقدامهای مختلفی انجام دادند؛ به عنوان نمونه:

الف. ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: خالد قسری – که از سرکردگان بنی امیه بود[1] – از یکی از گزارشگران دیوان خواست که برایش سیره‌ای بنویسد. کاتب گفت: وقتی من به سیرهٔ علی بن ابی‌طالب می‌رسم، آیا او را یاد کنم یا نه؟ گفت: نه، مگر اینکه چهره‌اش را

۱. خالد بن عبدالله قسری ابوالهیثم جبلی از سوی ولید بن عبدالملک امیر مکه و از سوی هشام بن عبدالملک امیر عراقین بود. (ابن عساکر ج ۱۶ ص ۱۳۵) ذهبی او را ناصبی دانسته که مردمان را شکنجه می‌داد و می‌کشت. (ذهبی، *الکاشف* ج ۱ ص ۳۶۶) نیز او را ناصبی و ستمگر می‌داند. (*میزان الاعتدال* ج ۱ ص ۶۳۳؛ *تاریخ الاسلام* ج ۸ ص ۶۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

در نهایت بدی و زشتی نشان دهی. (ابوالفرج، ج ۲۲ ص ۱۵؛ ابن صباغ ج ۱ ص ۵۳)[۱]

ب. در دولت بنی‌عباس، همین سیاست ادامه یافت، گرچه آشکارا نبود. نخستین کسی که بطور منظم به تدوین سیره پرداخت، محمد بن اسحاق بود تا آنجا که به عنوان «شیخ السیرة» لقب گرفت. مهمترین منبعی که اثر او را نگاه داشته، سیرهِ ابن هشام است که در مقدمه خود، به ادعای اختصار و تهذیب، به مطالبی از ابن اسحاق اشاره می‌کند که در سیره ابن اسحاق بوده، ولی نه مستند قرآنی دارد و نه شاهدی بر آن داریم، همچنین اشعاری که هیچ یک از اهل ادب روایت نکرده اند. نیز مطالبی که بعضی را خوش نمی‌آید. (ابن هشام ج ۱ ص ۲) به دلیل این دستکاری که ابن هشام در سیرهٔ ابن اسحاق روا داشته، کار او را به خود نسبت داده، گرچه منبع اصلی آن ابن اسحاق است.

در این میان، ماجرای ابوطالب، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحریف شخصیت این بزرگ مرد، می‌توانست در فضای قبیله محورِ آن روز، تمام بنی‌هاشم را زیر سؤال ببرد، به ویژه چهرهٔ نورانی امام امیر المؤمنین علیه‌السلام را که کینه‌هایی از او در دل داشتند.

آری، آنجا که تاریخ صحیح سخن بگوید – تاریخی که دستخوش چنین تحریف‌ها و تغییراتی نشده – با گزارشی روبرو هستیم، که پیوند استوار میان پیامبر با عمویش را، حتی سالها پس از رحلت او می‌نمایاند.

در روایت صحیح آمده که در جنگ بدر، وقتی عبیدهٔ بن حارث زخمی شد، عمویش حمزه و امام علی علیهماالسلام او را نزد پیامبر بردند. چشم پیامبر که به او افتاد، اشک از دیدگانش جاری شد. عبیده گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت! آیا من شهید نیستم؟

فرمود: آری، تو نخستین شهید از خاندان من هستی.

عبیده گفت: اگر عمویت زنده بود، می‌دانست که من از او سزاوارترم به آنچه گفت.

---

۱. متن سخن خالد قسری حاوی جسارتی زشت به مقام مقدس امیر المؤمنین است که نگارنده، از ترجمهٔ عین آن معذور است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

پیامبر فرمود: کدام عموی مرا نظر داری؟

گفت: ابوطالب که سرود:

کذبتم وبیت الله نبرأ محمد و لمّا نطاعن دونه و نناضل

و ننصره حتی نصرع حوله و نذهل عن أبنائنا و حلائل

پیامبر فرمود: نمی‌بینی که یک پسرش مانند شیر غرّان در رکاب خدا و رسول می‌جنگد، و پسر دیگرش برای جهاد در راه خدا به سرزمین حبشه رفته است؟

گفت: یا رسول الله! آیا در این حالت (از این سخن) بر من خشم آوردی؟

فرمود: بر تو خشم نیاوردم، بلکه عمویم را که به یادم آوردی، اندوهگین شدم. (قمی ج ۱ ص ۲۲۶؛ مجلسی ج ۱۹ ص ۲۵۵؛ فیض ج ۲ ص ۲۸۱؛ حویزی ج ۲ ص ۱۳۲؛ مرتضی ج ۵ ص ۴۷) در نقلی از طریق تسنن آمده که در این حال، پیامبر برای ابوطالب و عبیده دعای خیر کرد (ابن ابی الحدید ج ۱۴ ص ۸۰؛ امینی ج ۷ ص ۳۱۶) در نقل دیگری از طریق تسنن آمده که عبیده گفت: کاش ابوطالب زنده بود تا مصداق گفتارش را ببیند. (مصعب ص۹۴)

اینک در این گفتار، می‌خواهیم برخی از حقایق مربوط به جناب ابوطالب را از یک منبع تاریخی اهل تسنن مرور کنیم.

خرگوشی کیست؟

ابوسعید عبدالملک بن ابی عثمان محمد بن ابراهیم نیشابوری واعظ ملقب به شیخ الاسلام و مشهور به خرگوشی (منسوب به محله‌ای در نیشابور به نام خرگوش) از بزرگان شافعی در سدهٔ چهارم بود. برای تحصیل علم به دمشق و بغداد و مکه سفر کرد. آثاری نوشت، از جمله: *تفسیر کبیر*، *دلائل النبوة*، *الزهد*، *البشارة و النذارة*، *شرف المصطفی* که یکی از مشهورترین کتابهای او در زمینه تاریخ و سیرهٔ پیامبر است. در جمادی الثانیه ۴۰۷ در گذشت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

متن روایت خرگوشی

خرگوشی در مورد آغاز دعوت پیامبر می‌نویسد:

إنّ أوّل من أسلم خديجة، فقامت تصلّی مع رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله. فجاء علیّ فرآهما يصلّيان، فدخل معهما الإسلام، فقاموا ثلاثتهم يصلّون.

ثمّ جاء ابوطالب و هم يصلّون. فقال: ما هذا الذی أظهرته يا محمد؟

قال صلی‌الله‌علیه‌وآله: هذا دين الله الذی ارتضاه لنفسه، لا يقبل الله من أنبيائه و رسله غيره، فإن دخلت معی فيه و إلّا فاكتم علیّ.

قال ابوطالب لعلی: ألا ترى إلى محمد ما يقول؟ قال:

يا أبه! إنّ محمداً صلی‌الله‌علیه‌وآله لصادق فی ما يقول، و أنا أشهد أن لا إله إلّا الله و أنّ محمداً عبده و رسوله.

قال ابوطالب: أقيما على ما أنتما عليه، فلن ينالكما أحد بسوء. و تتابع المسلمون، و أظهر الله دينه، و أعزّ نبيه صلی‌الله‌علیه‌وآله.

(خرگوشی، *شرف المصطفی*، نسخه خطی ۱۸۸۷ مکتبة الاسد دمشق، میکروفیلم ۴۸۶۱، ص ۲۴)

نکات این گزارش

۱. گزارش نومسلمانان صدر اسلام را به ترتیب زمانی یادآور می‌شود. از خدیجه آغاز می‌کند، آنگاه علی، و سومین تن را که از آیین اسلام آگاه می‌شود، ابوطالب می‌داند.

۲. ابوطالب گفت: «ما الذی أظهرته؟»

این سؤال می‌رساند که ابوطالب، از نبوت برادر زاده‌اش آگاه بود و می‌دانست که نمازی که می‌گزارند، یکی از نشانه‌های همین دین جدید است. لذا نپرسید: «ما الذی فعلته» بلکه سخن او، آشکار کردن این دین است.

در تأیید این استنتاج، نکات زیر را باید یادآور شد:

۲-۱. نشانه‌هایی که در شب و روز میلاد پیامبر روی داد و همگان دیدند. مانند: سقوط بتها، خشکیدن دریاچه ساوه، و غیره. (مقریزی، ج ۴ ص ۶۰؛ قاضی عیاض، ج ۱ ص ۳۶۶؛ شنقیطی، ج ۸ ص

۳۸۳؛ ابن کثیر، السیره ج ۱ ص ۲۱۲) شنقیطی ادعا می‌کند که این نشانه‌های شگفت، توجه همگان را به خود جلب کرده بود. (شنقیطی، ج ۸ ص ۳۸۳)

آیا می‌توان پذیرفت که چنین صحنه‌هایی را که همگان دیده‌اند، ابوطالب ندیده و از آن بی‌خبر باشد؟

۲-۲. برکت از وجود مقدس پیامبر، از همان اوان کودکی دیده می‌شد، مانند آنچه زمان شیرخوردن نزد حلیمهٔ سعدیه آشکار شد. (ابن کثیر، البدایه ج ۲ ص ۳۳۴)، فرو نشستن سیل به برکت حضرتش (ابن کثیر، سیره ج ۱ ص۲۳۲)، معجزاتی که برای حضرت عبدالمطلب آشکار شد و آن گرامی به ابوطالب در مورد پیامبر توصیه کرد. (ابن سعد ج ۱ ص ۱۱۸؛ مقریزی ج ۴ ص ۹۷؛ ابن عساکر ج ۳ ص ۸۵)

۲-۳. ابوطالب خود شاهد معجزات برادرزاده‌اش در زمان کفالت خود بر آن گرامی قبل از نبوت بود.

به عنوان نمونه:

الف. هر زمان پیامبر با فرزندان ابوطالب بر یک خوان می‌نشست، برکت غذا را می‌دیدند. لذا ابوطالب به فرزندان خود می‌گفت: بر جای خود باشید تا فرزندم (محمدﷺ) بیاید. وقتی حضرتش می‌آمد، پس از سیر شدن همگی باز هم غذا باقی می‌ماند که به نیازمندان می‌دادند. (ابن سعد ج ۱ ص ۱۲۰؛ ابن کثیر، سیره ج ۱ ص ۲۴۲؛ مجلسی ج ۱۵ ص ۴۰۷)

ب. شخصی از بنی لهب پیشگو بود. ابوطالب، پیامبر را زمانی که نوجوان بود، همراه خود آورد. پیشگو گفت: این نوجوان آینده‌ای درخشان خواهد داشت. (ابن هشام ج ۱ ص ۱۱۶؛ ابن کثیر، *البدایة* ج ۲ ص ۳۴۵)

ج. بحیرای راهب نشانه‌های شگفتی دید که به ابوطالب خبر داد. (طبری ج ۲ ص ۳۲؛ ابن اسحاق ج ۲ ص ۵۴؛ طبرسی ج ۱ ص ۶۵؛ ابن سید الناس ج ۱ ص ۶۲)

د. اشعار حضرت ابوطالب قبل از بعثت نشان می‌دهد که از همان زمان برتری‌هایی برای پیامبر قائل بود. از جمله در قصیده‌ای می‌سراید:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

إذا اجتمعت یوماً قریش لمفخر فعبد مناف سرّها و صمیمها
فإن حصلت أشراف عبد منافها ففی هاشم أشرافها و قدیمها
وإن فخرت یوماً فإنّ محمداً هو المصطفی من سرّها و کریمها

(ابن کثیر، *البدایة* ج ۲ ص ۳۱۷)

نیز می‌سراید:

ألم تعلموا أنّا وجدنا محمداً نبیّاً کموسی خطّ فی أوّل الکتب

(ابن اسحاق ج ۲ ص ۱۳۸؛ ابن هشام ج ۱ ص ۲۳۵؛ کلینی ج ۱ ص ۴۴۹)

۲-۴. در گزارش خرگوشی دیدیم که وقتی ابوطالب پرسید: آنچه آشکار کرده‌ای چیست؟ پیامبر فرمود: این دین الهی است که برای خود برگزیده، و هیچ عملی از پیامبران و رسولان خود به غیر آن نمی‌پذیرد.

۳. پیامبر به ابوطالب فرمود: «فإن دخلت معی فیه؟» یعنی به ایشان پیشنهاد داد که اسلام آورد.

این پیشنهاد، پیشنهادی عادّی نبود، بلکه عظمت شخصیت ابوطالب نزد پیامبر را می‌نمایاند. وگرنه با جمله‌ای دیگر می‌فرمود، مثلا: هذا دین الله، بدون اینکه ارتباط پیامبران دیگر با این دین را تأکید کند. نیز باید به کلمهٔ «معی» توجه شود که جایگاه ابوطالب را در این دین مبین نشان دهد.

۴. پیامبر به عموی خود فرمود: «و إلّا فاکتم علیّ»

اکنون باید پرسید که این درخواست کتمان برای چه امری بود؟ سه جواب می‌توان داد:

۴-۱. این خبر را که من اسلام را بر تو عرضه کردم، کتمان کن.

در سیرهٔ نبوی آمده که پیامبر، پس از رحلت ابوطالب میان قبیلهٔ ثقیف رفت و سه تن از سران آنان را به اسلام فرا خواند. آنگاه از آنان خواست که خبر آمدن پیامبر را کتمان کنند. فرمود: «إذا فعلتم ما فعلتم فاکتموه علیّ» (طبرسی ج ۹ ص ۱۵۴؛ ابن کثیر، سیره ج ۲ ص ۱۵۱؛ ذهبی ج ۱ ص ۲۸۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

احتمال می‌رود که در اینجا نیز از ابوطالب خواسته تا نصرت خود از پیامبر را کتمان کند.

۴-۲. شاید جملهٔ صحیح، «فاکتمه علیه» بوده که به صورت «فاکتمه علیّ» تصحیف یا تحریف شده باشد. احتمال دستکاری در لفظ این گزارش، از سوی راوی یا یکی از کاتبان یا شخص خرگوشی می‌رود، تا با خبر جعلی ضحضاح که بخاری روایت کرده، سازگار شود. با توجه به نمونه‌های فراوانی از تصحیف و تحریف که در متون کتابها نقل شده است (فضلی ص ۱۷۹– ۱۹۵)، این احتمال تقویت می‌شود.

۴-۳. درخواست پوشاندن شخص پیامبر از آزار مشرکان.

اما احتمال نخست، صحیح‌ترین احتمال به نظر می‌آید.

۵. گفت‌وگوی ابوطالب با امیرالمؤمنین علیه‌السلام در آن زمان نشان می‌دهد که او در آن زمان اسلام آورده بود.

پدر به پسر گفت: **ألا ترى إلى محمد ما يقول؟** (می‌بینی که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله چه می‌گوید؟)

و پسر پاسخ می‌دهد: **يا أبه! إنّ محمداً صادق فی ما يقول، و أنا أشهد أن لا إله إلا الله و أنّ محمداً عبده و رسوله.**

امیرالمؤمنین در اینجا اسلام خود را اظهار می‌دارد.

از این گفت و گو می‌فهمیم:

۵-۱. ابوطالب می‌خواست مطمئن شود که نماز گزاردن فرزندش نه از روی محبت نسبت به پسر عمویش و روابط عاطفی میان آن دو، بلکه از روی ایمان و عقیده است.

۵-۲. کلام امیر المؤمنین علیه‌السلام دو جمله دارد: جملهٔ اول اعلام اینکه پیامبر در مدعای خود صادق است، و کلام دوم الفاظ شهادتین. در اینجا حضرتش در کمال ادب و زیرکی شهادتین را به پدر آموخت، و تذکر داد.

۵-۳. ابوطالب به صراحت به پیامبر و علی علیهما و آلهما السلام می‌گوید که بر این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

دین بمانید و وعدهٔ حمایت از آنها می‌دهد. این نوعی بیان زیرکانه است از اعلام اسلام آوردن، گرچه لفظ شهادتین را آشکارا به زبان نیاورده باشد.

۶. در اینجا کلام محمد ابوزهره استاد الازهر را می‌آوریم که در ضمن سیره نبوی به بحث مربوط به ابوطالب می‌رسد و چنین نتیجه می‌گیرد:

«ما چنین استنباط کرده‌ایم که ابوطالب هرگز مشرک نبوده است. زیرا مشرک کسی است که بتها را همراه با خدای واحد بپرستد. اما کردار و مواقف ابوطالب دلالت می‌کند که او هرگز بت نپرستیده و آن کار را باطل می‌دانسته است.» (ابوزهره ج ۱ ص ۵۳۰ و ۵۳۵)

منابع

ابن ابی الحدید، عبدالحمید. *شرح نهج البلاغة*. بیروت: دار إحیاء الکتب العربیة.

ابن اسحاق، محمد. *سیرة ابن اسحاق*. معهد الدراسات و الأبحاث للتعریف.

ابن سعد، محمد. *الطبقات الکبری*. بیروت: دار صادر.

ابن سید الناس. عیون الأثر. بیروت: عزالدین، ۱۴۰۶.

ابن صباغ.

ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵.

ابن کثیر، *السیرة النبویة*. بیروت: دار المعرفة، ۱۳۹۶.

ابن کثیر، *البدایة و النهایة*. بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸.

ابن هشام، *السیرة النبویة*. قاهره: محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳.

ابوزهره، محمد. *خاتم النبیین*.

ابوالفرج، الاغانی.

امینی، عبدالحسین. *الغدیر*. بیروت: دا الکتاب العربی، ۱۳۸۷.

حسنی، نبیل. *ابوطالب ثالث من أسلم*. کربلا: العتبة الحسینیة المقدسة، ۱۴۲۹.

حویزی، عبد علی. نور الثقلین.

خرگوشی، عبدالملک. *شرف المصطفی*. نسخه خطی مکتبهٔ الاسد دمشق، شماره ۱۸۸۷ خطی و ۴۸۶۱ میکروفیلم.

ذهبی، سیر أعلام النبلاء. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]

ذهبی، *الکاشف*.
ذهبی، *تاریخ الإسلام*. بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷.
شنقیطی، *أضواء البیان*. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵.
طبری، محمد بن جریر. *تاریخ الامم و الملوک*. بیروت: الاعلمی، ۱۴۰۳.
طبرسی، *مجمع البیان*. بیروت: الاعلمی، ۱۴۱۵.
فضلی، عبدالهادی. *اصول تحقیق التراث*.
فیض، محسن. *تفسیر الصافی*.
قاضی عیاض، *الشفا بتعریف حقوق المصطفی*. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹.
قمی، علی بن ابراهیم. *تفسیرالقمی*. قم: دار الکتب، ۱۴۰۴.
کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۹.
مجلسی، محمد باقر. *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳.
مرتضی، جعفر. الصحیح من سیرة النبی الاعظم.
مقریزی، *امتاع الاسماع*. بیروت: محمد علی بیضون، ۱۴۲۰.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1394.12.47.6.0]